

اوفرهم نمیشود و پادشاه بمرائی و مدایح ائمه اطهار بیشتر را غیب است تا بقصاید و غزلیات آبدار. عادتی که از اواخر عمر شاه طهماسب در ایران ریشه دوانده بود طبیعت ثانوی شاه و امناسده و قلع ریشه آن سهولت امکان نداشت

شرح این قضیه آنست که محشم کاشانی دو قصیده در مدح شاه طهماسب و پریخان خانم بنظم در آورده بدربار میفرستد شاه آنها را رد کرده و جواب میدهد بهتر آنست که شعرا در مدیح ائمه معصومین سخن سرائی کنند که هم اجرا خروی دریا بند و هم از سلاطین مابره ورگردند

عارف اسفرائینی

بقلم برزگر اسفرائینی

اسفرائین که معرب اسپرائین است از شهرهای قدیمی و تاریخی بوده که معروف است انوشیروان آنرا ساخته و اینک این نام بر باو کی اطلاق میشود.

خرابه های شهر اسفرائین باقی و حصار معظمه دیگری که در جنوب شهر و متصل ولی مرتفعتر از خود شهر است ارك یا عمارت دیوانی آن بوده که از بناهای قابل توجه است. آثار ساختمانی که از عمارات باقیست آبادی و قشنگی شهر را نشان داده و آنچه از تواریخ مخصوصاً جغرافیای تاریخی مستشرق محترم استاد بار تولد ترجمه حضرت آقای طالبزاده مفهوم است این شهر را یکدفعه در ۱۳۸۱ امیر تیمور گورکان و دفعه دیگر افغانه در ۱۷۳۱ میلادی قتل عام و خراب نموده اند.

آنچه معلوم است بعد از قتل عام امیر تیمور باز بحال اول برگشته تا در اثر تاخت و تازهای ازبک رو با انحطاط نهاده و عاقبت بدست افغانهایی که بعد از نادرشاه افشار خراسان را منقلب کردند ویران گردیده اکنون شهر خرابه آن فقط از قطعه نظر اینکه در جنب چمن باقیسی واقع است معروف بخرابه های

بلیسی میباشد و هیچ دلیل دیگر برای اینکه این بنای تاریخی را بلیسی بخواتد نیست جز اینکه بعد از خرابی چون اسم شهر بر بلوک نهاده شده دیگر نخواسته اند خرابه هارا هم اسفرائین بنامند و نظیر آنرا تاریخ زیاد نشان میدهد. اسفرائین مردان نامی و مشاهیر زیادی دارد که از جمله .

مولانا شیخ نورالدین آذری علیه الرحمه است که از محکما و عرفای مشهور و خلاصه شرح حالش این: پدرش از سرداران اسفرائین و باسربداران معاصر بوده حکیم آذری برخلاف پدر چشم از مقامات دنیائی پوشیده راه خدا گرفته در جوانی دم از شاعری زده شهرت یافت و در مدح شاه رخ و دیگران قصایدی گفته - مرید و خلیفه سید نعمت الله همامانی کرمانی علیه الرحمه بوده اغلب عمر را بسیاحت گذرانیده و نوبت بمکه رفته و هندوستان را گردش کرده و آذر بیکدلی مینویسد پس از مراجعت بایران سی سال عمر را بطاعت گذرانیده . سلطان محمد ابن بایسنقر ادراک خدمت شیخ کرده تصانیف زیادی از مولانا هست که از آن جمله است رساله سعی الصفا که در مکه نوشته و طغرای همایان و عجائب الغرائب و جوهر اسرار .

شیخ در موطن خود وفات یافته و مرقدش در قسمت شمالی شهر اسفرائین واقع و دارای موقوفاتی میباشد - مقبره مولانا تا چهار سال قبل آباد و گاهی از عایدات موقوفه خودش مخارجی در آن میشد اخیراً موقوفات مزبور بچندکمال بیرحمی افتاده و سقف مقبره نیز خراب و ویران و قریباً اگر اداره اوقاف بهمین بی حالی بوده و توجهی نشود ازین خواهد رفت در جلو مقبره باغی بوده که هنوز بیش از سی چهل دزخت های کهن سال از آن باقی و معلوم میشود باغ عمومی و تفریحگاه بوده دلیل آن هم طریقه معهودیست درین عموم اسفرائینی ها که بهمان نظر اعتقاد و مرسوم اسلاف شبهای چهارشنبه ایام تابستان از تمام قراء بزیارت شیخ آمده و برای انجام و حصول مقاصد خود بآن خاک پاک متوسل گردیده و عجب

آنست که بطریق معمول قدیم در ایامی که زائرین اجتماع می کنند حتماً باید وسایل شادی و تفریح از قبیل دهل سرنا زنه‌های بومی ورق‌سیدن و خواندن قراهم باشد . یکی از معروفین علمای اسفرائین شیخ ابواسحق ابراهیم ابن محمد ابن ابراهیم ابن مهران از اجله فقهای شافعیه است در دلام و اصول از اساتید و کافه مشایخ نیشابور این دو قرن را از او آموخته و اغلب در نیشابور ساکن بوده از سال ۴۸۱ هجری روز عاشورا در نیشابور وفات یافته کالبدش با اسفرائین نقل و اکنون از مقبره اش فقط چهار دیواری باقی است .

مولانا معین‌الدین صاحب مرآت‌النسب و شیخ نورالدین عبدالرحمن که از معاصرین مولانا جلال‌الدین رومی بوده و شیخ علیشاه که از عرفاء است اسفرائینی بوده اند ابوالعباس که او را از طرف موفق خلیفه عامل بخارا و بعد وزیر سلطان محمود غزنوی شده و از مشاهیر است اسفرائینی میباشد .

غیر حکیم آذری شعرای دیگر زیاد داشته که از جمله امیرهمایون می باشد که از بزرگ‌زادگان این دیار و مدتی در تبریز و قم ساکن بوده و در محال قم (زرنند) وفات یافته و مدفون است این رباعی از اوست :

غم من کسی بداند که رخ تو دیده باشد و گرت ندیده باشد بصفت شنیده باشد ز خراش سینه من بود آنهی کسی را که گلبنیش خاری بجگر خلیده باشد این مقدمات و شناسائی و معرفی اسفرائین فقط برای معرفی ادیب و شاعر

گننامی است که اسفرائین در قرن معاصر در مهد خود پرورانیده که گفتارش شیرین و قصایدش قابل تحسین و دارای فکری بلند و در ادبیات مقامی بلند دارد و آن مرحوم شیخ اسمعیل عارف اسفرائینی پسر مرحوم آخوند ملاقربانعلنی است که در روئین یکی از عرفاء اسفرائینی است گویا در سنه ۱۲۲۰ قمری متولد شد و در سنه ۱۲۸۸ در اسفرائین وفات یافته است بقیه دارد